

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



## **دانشگاه پیام نور**

**پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد**

**رشته حقوق، گرایش جزا و جرم شناسی**

**دانشکده علوم انسانی**

**گروه علمی حقوق**

**عنوان پایان نامه:**

**بازگشت مجرم؛ واکاوی علل بازگشت مجرم به جرم یا جامعه**

**استاد راهنما:**

**جناب دکتر مهدی مومنی**

**استاد مشاور:**

**خانم دکتر فاطمه سوهانیان**

**نگارش:**

**ایمان آقابراری**

**دیماه ۱۳۹۳**

سپاس پروردگاری را که توفیق و لطف

الهییش پیوسته از حد لیاقت، بضاعت و ظرفیت این حقیر

فراتر بوده و این ناچیزترین چون همیشه از شکر آن عاجز بوده و درمانده و

سپاس از خانواده ، این برترین تکیه گاه و سرمایه و سپاس از همه اساتید فرهیخته و

البته جناب استاد مومنی و خانم استاد سوهانیان، این دو عزیز سر افراز و سازنده.

## تقدیم به :

رازهای زندگانیم ؛

بر آن پر شکوه کوه زندگی، ملبس به مردی و مردانگی

بر آن منتها چشمه پر ثمر، که مهر از وجودش گرفته اشر

بر آن همنوا با ندای بهشت، که با عشق خدا تار و پودش سرشت

## چکیده

سلامت روانی، اقتصادی و فرهنگی جامعه با امنیت آن ارتباط تنگاتنگ دارد و بخش وسیعی از این احساس امنیت، منوط به جلوگیری از وقوع جرم و تلاش در کاهش و تکرار جرایم است.

از همین رو دولتها، خصوصا در دهه های اخیر، به امر کنترل و کاهش جرایم، توجه زیادی معطوف داشته اند.

قطع نظر از تاثیر این امر در امنیت عمومی اجتماع، به نوعی می توان آن را نمایانگر ثبات و اقتدار حکومت ها نیز تلقی نمود، چرا که اگر حکومتی قادر به تامین نظم و امنیت اجتماعی نباشد، قطعا از مشروعیت لازم نزد شهروندان نیز برخوردار نبوده و چه بسا خود در معرض شورش و اعتراضات عمومی قرار گیرد.

در پژوهش حاضر تلاش شده است تا؛ نخست عوامل گرایش افراد به ارتکاب جرم و خصوصا تکرار و بازگشت به جرم با بررسی ابعاد روانی، ذهنی، زیستی و اجتماعی آنها تا حد امکان مورد شناسایی و احصا واقع شود، تا این امکان فراهم گردد که بواسطه شناخت فضای درونی و بیرونی بزهکار، راهکارهای اصلاحی و نوسازگاران به منظور بازسازی مجرم و بازگشت وی به جامعه، مورد بررسی و بازشناسی قرار گیرد، تا مجازات نه به عنوان یگانه راه برخورد با مجرم، بلکه به عنوان یکی از انواع روشها، به تناسب موضوع جرم، شخصیت و وضعیت فرد، مورد استفاده واقع شود.

همچنین، سایر ابزارها و شیوه های برخورد با مجرم، با رویکرد اصلاح و بازگشت به جامعه نیز می باید هرچه بیشتر ملحوظ نظر قرار گیرد.

همچنین، این مسئله نیز مورد بررسی قرار گرفته است که شناخت علل و عوامل ارتکاب جرم، چگونه می تواند فرصت مداخله زود هنگام و پیشگیرانه را برای جامعه فراهم آورد، تا در عمل با اعمال تغییر در موقعیت ها، محیط های شخصی و عمومی و توجه به ویژگی های فردی و روانی، خصوصا اشخاص در معرض بزهکاری، علاج واقعه را قبل از وقوع نماید.

**واژگان کلیدی:** جرم، مجرم، جامعه، بازگشت بجرم، تکرار جرم



# فهرست مطالب

شماره صفحه

عنوان

## فصل اول : مقدمه

۲	الف- تعریف مساله
۳	ب- سوالات تحقیق
۳	ج- سابقه انجام تحقیق
۴	د- ضرورت انجام تحقیق
۴	ه- فرضیه ها
۴	و- هدف ها
۵	ز - روش انجام تحقیق
۵	روش و ابزار گردآوری اطلاعات
۵	روش تجزیه و تحلیل داده ها

## فصل دوم : علت شناسی وقوع جرم و بازگشت به جرم

۷	بخش اول: بررسی جرم شناسی علل وقوع جرم
۹	مبحث اول : زیست شناسی و علل وقوع جرم
۱۰	گفتار اول: تقسیم بر مبنای تیپ و آناتومی
۱۱	گفتار دوم: تقسیم بر مبنای غدد درون ریز
۱۷	گفتار سوم: تقسیم بر مبنای گروه خونی
۱۸	مبحث دوم : روان شناسی و علل وقوع جرم
۱۹	گفتار اول: شناخت بیماریهای روانی
۲۲	گفتار دوم: شناخت اختلالات شخصیت
۲۶	مبحث سوم : جامعه شناسی و علل وقوع جرم
۲۸	گفتار اول: خانواده
۳۰	گفتار دوم: رسانه ها

۳۲	گفتار سوم: همسالان
۳۴	گفتار چهارم: محل سکونت
۳۵	گفتار پنجم: مسائل اقتصادی
۳۸	مبحث چهارم: برآیند تحلیلی مباحث
۳۹	گفتار اول: شکل گیری شخصیت نا بهنجار
۴۱	گفتار دوم: وضعیت خاص یا ماقبل جنایی
۴۱	بند اول: عوامل ایجادکننده طرح و نقشه جرم
۴۲	بند دوم: عوامل تسهیل کننده یا مهیاگر جرم
۴۴	بخش دوم: شناسایی عوامل موثر در تکرار و بازگشت به جرم
۴۵	مبحث اول: تبیین تکرار و بازگشت به جرم در جرم شناسی و حقوق کیفری
۴۸	مبحث دوم: نقش نظام کیفری و نهادهای رسمی در تکرار جرم
۴۸	گفتار اول: غفلت از علل وقوع جرم
۴۹	گفتار دوم: نقش پلیس در تکرار جرم
۵۲	گفتار سوم: نقش مراجع قضایی در تکرار جرم
۵۴	گفتار چهارم: نقش مجازات ها در تکرار جرم
۵۵	بند اول: جزای نقدی
۵۶	بند دوم: اعدام
۶۱	بند سوم: حبس
۶۶	بند چهارم: شلاق
۶۸	بند پنجم: آثار کیفر شناختی مجازات ها و نقش آن در تکرار جرم

### **فصل سوم: راهکارهای بازگشت به جامعه و نوسازگاری مجرم**

۷۴	بخش اول: ضرورت اصلاح و نوسازگاری مجرم
۷۶	مبحث اول: مبانی شرعی و حقوقی ضرورت اصلاح و نوسازگاری مجرم
۸۰	مبحث دوم: مبانی جرم شناختی ضرورت اصلاح و نوسازگاری مجرم
۸۳	بخش دوم: جمعیت هدف در اصلاح و نوسازگاری مجرم
۸۴	مبحث اول: شناسایی و طبقه بندی مجرمین



۸۶.....	مبحث دوم: استراتژی برخورد با مجرمین
۸۸.....	گفتار اول: مجرمین مختل المشاعر
۸۹.....	گفتار دوم: مجرمین یقه سفید ، حرفه ای ، اعتیادی
۹۲.....	گفتار سوم: مجرمین اتفاقی و هیجانی
۹۴.....	بخش سوم: رویکردها و شیوه های اصلاح و نوسازگاری مجرم
۹۵....	مبحث اول: رویکردها و شیوه های نوسازگاری پیش از ورود به فرآیند عدالت کیفری
۱۰۳.....	مبحث دوم: رویکردها و شیوه های نوسازگاری پس از ورود به فرآیند عدالت کیفری
۱۰۴.....	گفتار اول: اصلاح و نوسازگاری با روش کیفری و رویکرد فردی
۱۰۹.....	گفتار دوم: اصلاح و نوسازگاری با روش کیفرهای جایگزین حبس
۱۱۵.....	گفتار سوم: اصلاح و نوسازگاری با روش بالینی - درمانی

## ۱۱۹..... **فصل چهارم: نتیجه گیری و پیشنهاد ها**

۱۲۰..... بخش اول: نتیجه گیری

۱۲۱..... بخش دوم: پیشنهادها

## ۱۲۴..... **فهرست منابع**

۱۳۸..... **چکیده انگلیسی**

# فصل اول

## مقدمه

## الف - تعریف مساله :

نظر به اهمیت روز افزون موضوع افزایش وقوع جرم و تکرار آن و تاثیر والای این امر در احساس امنیت از دیدگاه شهروندان، تحقیق حاضر نیز به شناسایی علل وقوع جرم و سپس علل تکرار و بازگشت به جرم پرداخته است.

به بیانی دیگر تلاش می شود تا با کشف و بازشناسی علل ارتکاب بزه و تکرار آن، تبیینی تا حد ممکن، روشن از این عوامل بدست داده تا امکان توجه به مفهوم پیشگیری از وقوع و بازگشت به جرم، بطور تحلیلی تری مورد واکاوی قرار گیرد.

در این مسیر علاوه بر توجه به عوامل متعدد زیستی، روانی و اجتماعی، نقش نهاد مجازات و نظام عدالت کیفری و البته فضای ذهنی و بیرونی مجرم، نیز ملحوظ نظر بوده، تا علت رویکرد و تمایل دسته بزرگی از مجرمین به تکرار جرم را تشریح نماید. سپس با تشریح عوامل بازگشت به جرم و تکرار بزه، بواقع موانع بازگشت مجرم به جامعه، خصوصا پس از اعمال مجازات، احصا گردیده تا با شناخت آنها و تلاش در تبیینشان حتی الامکان از گرایش به بزه ممانعت شود.

همچنین، تلاش گردیده تا با اثبات ضرورت اصلاح و نوسازگاری مجرمان از منظر شرعی، حقوقی و جرم شناختی، انواع شیوه های برخورد با بزهکاران اعم از کیفری و غیر کیفری، با توجه به نوع و طبقه بندی بزهکاران با رویکردی اصلاحی مورد احصاء و بازشناسی قرار گیرد.

در این رابطه، به کیفرهای جایگزین و روشهای درمانی و بالینی با هدف کمک به بزهکار بمنظور بازگشت به جامعه و ارزشهای اجتماعی و پرهیز از گرایش به جرم نیز پرداخته شده. ضمن اینکه در تقسیم بندی صورت گرفته در اهداف تحقیق با نگاهی جرمشناسانه به شخصیت مجرم و وضع تربیتی و محیطی وی عملا سعی در تبیین این امر گردیده که بازگشت به جرم یا جامعه در واقع بازگشت به تجربیات عاطفی، اجتماعی و خانوادگی بزهکار است، لذا هر اندازه، تجربیات و تربیت بهتری جهت بزهکاران و مستعدین گرایش به بزه، توسط جامعه و نظام عدالت کیفری فراهم آید، احتمال بازگشت مجرمان به جامعه هم بیشتر خواهد بود.

انتخاب عبارت بازگشت مجرم نیز ناظر به دیدگاهی جرم شناسی است، بر خلاف اصطلاح " تکرار جرم "، که مفهومی از جزای عمومی بوده و به تعریف تکرار جرم، مشخصات آن و نحوه برخورد کیفری با آن می پردازد. در حالیکه در اینجا به تکرار جرم بعنوان یک پدیده جرم شناسی نگریسته شده که باید با شناسایی دلایل دخیل در آن تا حد امکان از میزان آن کاست، لذا وصف "بازگشت به جرم" در مفهومی جرمشناسانه به جای تکرار جرم بکار برده شده است.

در نهایت، پژوهش حاضر تلاش دارد تا ضمن احصای دلایل وقوع و تکرار جرایم، همزمان شیوه های پیشگیری و جلوگیری از بازگشت به جرم و روشهای برخورد کیفری و غیر کیفری با مجرمان را، با تمرکز بر اصلاح و نوسازگاری بزهکاران مورد بحث و تبیین قرار دهد.

## **ب - سوالات تحقیق:**

- ۱- عوامل گرایش مجرمین در بازگشت به جرم کدامند؟
- ۲- راهکارهای بازگشت مجرمین به جامعه کدامند؟
- ۳- شناسایی علل ارتکاب جرم چه تاثیری بر میزان وقوع جرایم خواهد داشت؟

## **ج - سابقه انجام تحقیق**

پیرامون موضوع انتخابی، به کیفیت وجهتی که دقیقاً منظور اینجانب است مطلبی نیافتم، لیکن مواردی را که تا حدودی با موضوع پژوهش حاضر، مرتبط است، جهت استحضار بیان می دارد؛

۱- پایان نامه کارشناسی ارشد آقای حسام الدین ارشش، با عنوان راهکارهای پیشگیری از تکرار جرم از منظر حقوق جزا و جرم شناسی، پژوهشی است که ضمن اشاره ای گذرا به موضوع علل تکرار جرم، مسئله پیشگیری از تکرار جرم و روشهای اصلاح مجرمین را از منظر جرم شناسی مورد بررسی قرار داده اند. (ارشش، ۱۳۸۹)

۲- پایان نامه کارشناسی ارشد خانم مینا صدیق فر با عنوان کیفرهای جایگزین مجازات سالب آزادی، پژوهشی است که ضمن نقد مجازات زندان و اثبات ضرورت بکارگیری مجازات های جایگزین، به شرح مصادیق و انواع آن پرداخته و به موفقیت نسبی آن در مقایسه با مجازات زندان می پردازد. (صدیق فر، ۱۳۸۴)

۳- مقاله آقای علی صفاری، تحت عنوان مبانی نظری پیشگیری از وقوع جرم، که در آن به معرفی و شرح انواع روشهای پیشگیری از جرم، اعم از کیفری و غیر کیفری و توضیح تکنیکهای پیشگیری وضعی پرداخته اند. (صفاری، ۱۳۸۰)

## د- ضرورت انجام تحقیق

افزایش جرایم، آن هم نوعاً به واسطه طیف کوچکی از جامعه و اتفاقاً مجرمان سابقه دار، ضرورت شناسایی شخصیت مجرمان، محیط آنها و علل رویکرد به جرم و خصوصاً تکرار جرم را دو چندان کرده، این امر به قدری اهمیت دارد که شاید هرازچندگاهی نیاز به مرور، بازشناسی و پژوهش مجدد- با توجه به ضرورتها و نیازهای جدید و بومی هر جامعه- دارد.

از آنجایی که صرف مجازات نمی تواند، علاج متقنی برای کنترل و کاهش جرایم تلقی گردد، لذا ناگزیر می باید، متعاقب تحقیق، پیرامون مجرمان و اجرای شیوه های پیشگیری، روشهای درمانی و نوسازی بزهکاران، با ابزارهای غیر کیفری و اقدامات تامینی تربیتی نیز مورد مطالعه و تحقیق پیوسته قرار گیرد، چرا که زیانهای اقتصادی، امنیتی و روانی افزایش و تکرار جرایم، بعضاً به مراتب از مهار و مدیریت آن پر هزینه تر خواهد بود.

## ه- فرضیه ها

- ۱- مجرمان به بازگشت به جرم تمایل دارند و این برآیند یک سری عوامل درونی و بیرونی است.
- ۲- با شناخت شخصیت مجرم، محیط وی و تعیین برنامه های اصلاحی متناسب، بازگشت مجرم به جامعه ممکن می گردد.
- ۳- شناسایی علل ارتکاب جرم در ایجاد راهکارهای پیشگیری از جرم و کاستن از تکرار جرم موثر است.

## و- هدف ها

- ۱- شناخت مجرمین و محیط آن ها، به منظور کاهش ریسک بازگشت به جرم.
- ۲- تعیین علل و عوامل ارتکاب جرم (عوامل شکل گیری رفتار جنایی) و نقش آن در وقوع بزه و تکرار جرم.
- ۳- شناسایی عوامل بازدارنده در ارتکاب جرم و تقویت آن در مجرمین بمنظور عدم بازگشت به جرم.

## ز - روش انجام تحقیق

### روش و ابزار گردآوری اطلاعات

این طرح با روش توصیفی- تحلیلی انجام می‌گیرد، با استفاده از مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای (شامل مطالعه منابع، اسناد و مدارک موجود در سوابق تحقیق).

### روش تجزیه و تحلیل داده ها

به شیوه تحلیلی، منطقی و استقرا صورت گرفته است، در پژوهش حاضر تلاش گردیده تا با استفاده از کتب، مجلات، پایان نامه ها و سایتهای تخصصی مرتبط با هر فصل، به تحلیل فصول پرداخته شده و حتی الامکان مطالب، مستند به پژوهشها، تحقیقات، نظریات و اسناد معتبر باشند.

## **فصل دوم**

**علت شناسی وقوع جرم**

**و بازگشت به جرم**

## بخش اول: بررسی جرم شناسی علل وقوع جرم

حقوق جزا به عناصر تشکیل دهنده جرم، نحوه انتساب آن به فرد، علل موجهه، عوامل رافع مسئولیت، معاونت و مشارکت در جرم و نهایتاً به تبیین هر جرم به طور جداگانه می پردازد، به واقع به تحلیل «نهاد جرم» پرداخته و به علل وقوع جرم، نوعاً توجهی نداشته و عمدتاً از ورود به این مباحث امتناع دارد، به عبارتی اساساً حقوق جزا به جرم توجه دارد نه به مجرم، آن مقدار هم که به شخصیت مرتکب در مباحث جزای عمومی و قانون مجازات پرداخته شده، فی الواقع نتیجه تاثیرات و تلقینات راه یافته از حوزه علم جرم شناسی است.

چرا که حقوق کیفری با روشی انتزاعی به بررسی نفس جرم و تجزیه و تحلیل ارکان مندرج در تعریف قانونی آن می پردازد و جرم را مجرد از بزهکار در نظر گرفته و به شخصیت و هویت فردی بزهکار اعتنای چندانی ندارد.<sup>۱</sup>

لیکن جرم شناسی علم بررسی پدیده بزهکاری و علل ایجاد آن است و در این مسیر به شناسایی ویژگی ها و اوضاع و احوال دور و نزدیک مجرم نیز می پردازد و در نهایت سعی در اصلاح مرتکب و تقلیل میزان بزهکاری دارد.

جرم شناسی، علم شناسایی علل حقیقی و علمی وقوع جرم و استفاده از آن در درمان و بازسازی مجرمین است.<sup>۲</sup>

شناخت علل حقیقی و علمی وقوع جرایم، مستلزم احصاء و تحلیل عوامل جرم زاست، این عوامل می تواند هر وضعیت جسمانی، روانی، اجتماعی، درونی یا بیرونی باشد، که البته ممکن است تاثیرات

---

۱- کی نیا، مهدی (۱۳۸۷)، مبانی جرم شناسی، چاپ دوازدهم، جلد اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ص ۱۴.

۲- شامبیاتی، هوشنگ (۱۳۸۲)، حقوق جزای عمومی، چاپ یازدهم، جلد اول، تهران، نشر مجد، ص ۱۲۰.



متفاوت و بعضاً متضادی در افراد داشته باشند، لیکن جرم‌شناسان در تاثیر عمده این عوامل در بروز بزه اختلاف نظر محسوسی ندارند.

عامل جرم‌زا، رایج‌ترین اصطلاح جرم‌شناسی است و در واقع جرم‌شناسی را با مسامحه میتوان "علم شناخت عوامل جرم‌زا" تلقی نمود، که نخستین گام در یافتن راه درمان بزهکار، کاهش بزهکاری و پیشگیری از وقوع جرم است.<sup>۱</sup>

بر همین اساس، در این بخش به مطالعه و تاثیر همین عوامل موثر در وقوع جرم پرداخته می‌شود.

---

۱- کی‌نیا، مهدی (۱۳۸۷)، پیشین، ص ۶۲.

## مبحث اول: زیست‌شناسی و علل وقوع جرم

تحلیل شخصیت انسان و رفتارهای وی، براساس زیست‌شناسی (فیزیولوژی و آناتومی و تیپ بدنی) قدمتی دیرینه دارد، تصویری مبتنی بر این معنا که لزوماً میان رفتارها و اعمال انسانی اعم از نیک و بد با خصوصیات زیستی و فیزیولوژیکی وی ارتباط تنگاتنگی وجود دارد و طبعاً باید علت بسیاری از کنشها و واکنش‌های انسان را در ساختار بیرونی (ظاهری) و درونی (باطنی) بدن وی جستجو کرد. چنانکه در یونان قدیم وجود برخی مایعات و ترشحات بدن را عامل سازنده خلق و خو یا شخصیت فرد تلقی می‌کردند.

بقراط، حکیم یونانی به چهار نوع شخصیت بر اساس چهار مایع درونی بدن عقیده داشت؛ بدین ترتیب که تصور می‌نمود اگر خون در بدن فردی زیاد باشد، وی دموی مزاج بوده که لزوماً خلق و خویی بشاش، فعال، با نشاط و صادق خواهد داشت و اگر ترشحات مخاط بینی شدت یابد فرد بلغمی مزاج بوده که موجب سستی، کاهلی و راحت‌طلبی است و چنانچه ترشح کیسه صفراوی شخص متمایل به زردی باشد، او صفراوی مزاج شده که خلق و خویی عصبی، خشن و پرخاشگر خواهد داشت و سرانجام اگر این ترشحات صفراوی متمایل به سیاهی باشد بالضروره، شخص مغموم، گرفته و گوشه‌گیر جلوه می‌نماید.<sup>۱</sup>

این اندیشه‌ها همزمان در طب، فلسفه و اخلاق رواج داشته و مبنای بسیاری از تحلیل‌ها بوده، چنانکه در طب سنتی ایران و نزد متکلمین و علمای اسلامی نیز جایگاه ویژه‌ای داشته است.

آنها بدن انسان را مرکب از عناصر اربعه طبیعت (آب، هوا، خاک، آتش) می‌دانستند که با اخلاط اربعه (صفرا، دم، سودا و بلغم) رشد و نمو می‌یابد و به تناسب فقدان یا وجود هر کدام از این مواد، بدن انسان ویژگی خاصی را از خود بروز می‌دهد و همانطور که عناصر چهارگانه طبیعت، خصوصیات از حیث رطوبت، سردی، خشکی و گرمی دارند، اخلاط چهارگانه نیز چنین اند، یعنی صفرا، خشک و گرم - دم، مرطوب و گرم - بلغم، مرطوب و سرد و سودا، خشک و سرد است.<sup>۲</sup> حکیم ابن سینا نیز در کتاب ارزشمند "القانون فی طب" پس از آنکه به تفکیک و تشریح مزاجها و اخلاط پرداخته و خصوصیات ظاهری و فیزیکی هر یک را بر می‌شمارد، پیرامون ویژگی‌های رفتاری افراد بر اساس دو دسته کلی گرم مزاج و سرد مزاج بیان می‌دارد:

۱- شامبیاتی، هوشنگ (۱۳۸۲)، پیشین، ص ۱۲۱-۱۲۰

۲- آهنجی، امید - سعیدی، مهر، محمد، بازخوانی مفهوم مزاج بر پایه پزشکی مدرن، فصلنامه فلسفه علم، پاییز و زمستان ۱۳۹۰، شماره ۲، ص ۶.

اشخاص گرم مزاج کم خواب بوده و عمدتاً فعال، پر جنب و جوش، آشفته، زود فهم، خوش بین، امیدوار و چالاک اند و حداقل تاثیر پذیری از محیط خود را دارند، در مقابل افراد سرد مزاج عمدتاً تنبل، سست، آرام، تودار و کند هستند.<sup>۱</sup>

این دیدگاهها علاوه بر جرم شناسی هنوز در طب و فلسفه نیز مورد توجه و مطالعه می باشند.

### **گفتار اول: تقسیم بر مبنای تیپ و آناتومی**

تحقیقات لمبروزو در کتاب انسان جنایتکار، انتشار یافته به سال ۱۸۷۴ و تقسیم افراد بر اساس تن پیمایی و شکل اندامها، نمونه ای دیگر از تصور ارتباط اعمال انسانی با ویژگی های زیستی اوست، تقسیمی که آناتومی، شکل جمجمه، پیشانی، بینی، دستها و... را در گرایش به جنایت موثر دانسته و در این راستا طبقه بندی های مفصلی را صورت داده است.

آنچه در این مطالعات (تن پیمایی) جلب توجه می نماید وجود ارتباطی بین وضع ظاهری با رفتار شخص است که خصوصیات ظاهری را با رفتار فرد انسانی مرتبط می داند.<sup>۲</sup>

برخلاف شهرت نخستین نظریات لمبروزو، هم اکنون، تسری و تشریح جنایت به ویژگی های آناتومیک، به سیاق پیشین آن دیگر مورد توجه نیست، هر چند که تحقیقات بر اساس تیپ شناسی زیستی، هنوز هم به اشکال دیگر، کماکان مورد مطالعه و تحقیق قرار گرفته، از جمله مطالعات کرچمر و شلدن و هوتون.

کرچمر با تقسیم افراد به سه تیپ لپتوزوم (بلند قد)، آلتیک (محکم و ورزشکار)، پیک نیک (فربه تن) و شرح ویژگی های هر یک در نهایت، بخش عمده بزهکاران را از دسته لاغر اندامان دانسته و تیپ و ظاهر اشخاص را در میزان گرایش به جرم و نوع آن موثر می داند.<sup>۳</sup>

ویلیام شلدن روانشناس آمریکایی به عوامل زیستی - وراثتی در تشکیل و تحول شخصیت توجه نموده و در کتاب ((اطلس انسانها)) انتشار یافته به سال ۱۹۵۴ سه تیپ شخصیتی را بر مبنای مطالعات و روشهای آماری مشخص می نماید:

۱. اکتومورف ها؛ که غلبه قدرت سلسله اعصاب و پوست را به همراه دارند، افراد این گروه لاغر و بلند

---

۱- ابن سینا، ابوعلی حسین بن علی (۱۹۹۳ میلادی)، القانون فی طب، چاپ اول، جلد اول، بیروت، موسسه للطباعه وللنشر عزالدین، ص ۴۴۶-۴۴۵-۴۴۳.

۲- گلدوزیان، ایرج (۱۳۸۱)، بایسته های حقوق جزای عمومی، چاپ ششم، تهران، نشر میزان، ص ۲۴.

۳- گسن، ریموند (۱۳۸۸)، جرم شناسی نظری، ترجمه مهدی کی نیا، چاپ چهارم، تهران، انتشارات مجد، ص ۱۶۲.

قد هستند،<sup>۲</sup>. مزومورف ها؛ که با رشد و استحکام عضلات و استخوان ها مشخص می شوند، مانند ورزشکاران و افراد قوی،<sup>۳</sup>. اندومورف ها؛ که با رشد و برجستگی اعضا و احشاء درونی همراه هستند افراد این گروه چاق و دارای رشد افقی اند.<sup>۱</sup>

شلدون بزهکاران را بیشتر از میان دسته مزومورف ها (افراد قوی و ورزشکار) معرفی می کند، بر خلاف کرچمر که مجرمان را نوعاً از میان گروه لپتوزوم (لاغر اندامان بلند قد) می دانست.

هوتون جرم شناس دیگری است که تقسیم چهار گانه ای را بر اساس تیپ ظاهر انجام داده است؛ بلند قد تنومند (با جرم شاخص آدم کشی بدون قصد قبلی)، بلند قد باریک (آدم کش با قصد قبلی)، کوتاه قد تنومند (با جرم شاخص آدم کشی - دزدی - تجاوز و جرایم ناموسی) و کوتاه قد باریک (با جرم شاخص دزدی و راهزنی).<sup>۲</sup>

به جهت عدم قطعیت و تطابق مطالعات از این دست با واقعیت های خارجی و حتی بعضاً تعارض با یکدیگر، به همین اشاره اندک بسنده می گردد.

### **گفتار دوم: تقسیم بر مبنای غده درون ریز**

از رهگذر مطالعات تحلیل رفتار و اعمال انسان بر مبنای زیست شناسی و تیپ بدنی گرایش تازه تری ایجاد گردید که به جای تمرکز بر آناتومی و فیزیک ظاهری به مطالعه طرز کار غدد درون ریز، اختلالات آنها و تاثیرشان بر کنش ها و واکنش های انسانی پرداخته است.

مطالعاتی که با وجود کثرت آنها، به جهت وسعت و تنوع حوزه مذکور هنوز راه زیادی در پیش رو دارد، چرا که هر روز نکات جدیدی در رابطه با تاثیر غدد درون ریز و کارکرد هورمون های مترشحه کشف می گردد که تاکنون ناشناخته بوده است.

پنده، محقق ایتالیایی، با مطالعه طرز عمل غده تیروئید دریافته بود، افرادی که مزاج تیروئیدی پرکار دارند، قد بلند، باچهره و ابروهای خیلی رشد کرده، هیجانی، مضطرب، عبوس، فعال و پر جنب و جوش بوده و این نوع مزاج در بین دزدان و جنایتکاران عاطفی بیشتر یافت می شود، بعکس مزاج تیروئیدی کم کار دچار نقیصه هوشی، بی قیدی، فاقد اراده و خواب آلود است. دی تولیو نیز مشاهده کرده بود فرد هیپوپاراتیروئیدی، نا فرمان، سرکش و هتاک است.<sup>۳</sup>

غدد درون ریز در واقع بافت هایی هستند که سلول های آنها برای ترشح موادی ویژه خلق شده اند،

۱- کریمی، یوسف (۱۳۸۵)، روانشناسی شخصیت، چاپ پنجم، تهران، نشر ویرایش، ص ۱۲۷.

۲- رحیمی، مهدی - بیدخام، فرشته، تیپهای بدنی و جرم، مقاله سایت [www.hoghghdanan.com](http://www.hoghghdanan.com).

۳- آرمیون، اسماعیل، خشونت و ویژگی های جسمی-روانی، مقاله سایت [www.parsiblog.com](http://www.parsiblog.com).